

مقارنة المنهجين الفقهيين المقارن وغير المقارن في الاجتهاد

سعيد ضيائي فرا^١

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٠٥/٠٣؛ تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٦/٢٠ هـ ش]

الملخص

يهدف هذا البحث إلى بيان خصائص المنهجين الفقهيين المقارن وغير المقارن، وأوجه مفارقتهم، وأدلة ترجيح أحدهما على الآخر. والسؤال الرئيسي هو: ما هي خصائص هذين المنهجين، وما هي أوجه مفارقتهم، ومرجحات أحدهما على الآخر؟ يسعى هذا البحث إلى بيان خصائص المنهجين، ودراسة أوجه مفارقتهم وتحليلها، وأخير أدلة ترجيح أحدهما على الآخر. تتلخص أوجه المفارقة في: ضرورة الرجوع إلى آراء باقي المذاهب في فهم الأخبار أو عدمها، ووجوب الرجوع إلى هذه الآراء في ترجيح الروايات المتعارضة أو عدمه، ولزوم استخدام مصادر المذاهب الأخرى في إثبات اعتبار صدور الخبر، وكذلك صدور النص المقدس لكشف الحكم الشرعي اللازمان والمكان وعدمه، وضرورة الالتفات إلى تقارير باقي المذاهب من الأدلة وعدمها. وأخيراً تمّ تداول أدلة ترجيح المنهج المقارن على غير المقارن.

الكلمات المفتاحية: المنهج الفقهي غير المقارن، المنهج الفقهي المقارن، أدوار الاجتهاد، نتائج

المنهجين.

١. أستاذ مشارك، معهد العلوم والثقافة الإسلامية للبحوث، قم، إيران ziyaei.saeid@isca.ac.ir

مقایسه روش فقهی درون مذهبی و فرامذهبی در اجتهاد

سعید ضیائی فرا^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰]

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین ویژگی‌های روش فقهی فرامذهبی و درون مذهبی، همراه با بیان تفاوت‌ها و ادله ترجیح هر یک بر دیگری است. پرسش اصلی بدین‌گونه مطرح می‌شود: این دو روش چه ویژگی‌هایی دارند و چه تفاوت‌ها و ترجیحاتی میان آن‌ها وجود دارد؟

در این اثر تلاش شده است تا ویژگی‌های روش فقهی درون مذهبی و مقارن تبیین شود؛ همچنین تفاوت‌های موجود میان این دو روش تحلیل و بررسی گردد و در نهایت ادله ترجیح یکی بر دیگری ارائه شود. تفاوت‌های میان این دو روش فقهی عبارت است از: لزوم یا عدم لزوم مراجعه به دیدگاه‌های دیگر مذاهب در مقام فهم روایات؛ لزوم یا عدم لزوم مراجعه به این دیدگاه‌ها در مقام ترجیح روایات متعارض؛ لزوم یا عدم لزوم استفاده از منابع دیگر مذاهب در مقام احراز اعتبار صدور روایت و در مقام بررسی جهت صدور متن مقدس برای کشف حکم شرعی فرازمانی و فرامکانی؛ و نیز لزوم یا عدم لزوم توجه به تقریرهای دیگر مذاهب از ادله. در نهایت، ادله ترجیح روش فرامذهبی بر روش درون مذهبی بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: روش فقهی درون مذهبی، روش فقهی فرامذهبی، مراحل اجتهاد، نتایج دوروش

تبیین مسئله

در هر مذهب فقهی، دسته‌ای از مبانی مسلم وجود دارد که برای اجتهاد خط قرمز محسوب می‌شوند، مانند عصمت چهارده معصوم علیهم‌السلام در مذهب امامیه. به جز این مبانی مسلم، نباید محدودیت دیگری در روند اجتهاد لحاظ شود. بر این اساس، روش فقهی برخی فقیهان فرامذهبی است؛ یعنی افزون بر «بهره‌گیری از روایات، آگاهی‌های رجالی و تاریخی، ضوابط اصولی، دیدگاه‌ها، تحلیل‌ها، تقریرها و استدلال‌های مذهب خود»، به منابع و تحلیل‌های دیگر مذاهب نیز مراجعه می‌کنند و در صورت اعتبار آن‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند. این استفاده می‌تواند به اشکال مختلف انجام گیرد: گاهی تنها از روایات دیگر مذاهب بهره می‌گیرند، گاهی صرفاً از آگاهی‌های رجالی و تاریخی، گاهی تنها از ضوابط اصولی، گاهی از دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها و استدلال‌های دیگر مذاهب، و گاهی ترکیبی از دو یا چند مورد فوق را به کار می‌برند.

به عبارت دیگر، فرامذهبی بودن از نظر گستره و دامنه کاربرد متفاوت است؛ در برخی روش‌ها تنها یک جنبه فرامذهبی است و در برخی دیگر چندین جنبه را در بر می‌گیرد. در مقابل، روش فقهی برخی فقیهان درون مذهبی به این معناست که آنان صرفاً از روایات، آگاهی‌های رجالی و تاریخی، ضوابط اصولی، دیدگاه‌ها، تحلیل‌ها، تقریرها و استدلال‌های مذهب خود بهره می‌گیرند و به منابع دیگر مذاهب رجوع نمی‌کنند. به عبارت دیگر، غیر از مبانی مسلم، محدودیت‌ها یا خطوط قرمز دیگری برای اجتهاد قائل اند یا آن‌ها را جزء مبانی مسلم و خطوط قرمز می‌دانند. برای نمونه، برخی ممکن است تصور کنند که نباید از روایاتی که دیگر مذاهب نقل کرده‌اند استفاده کرد، حتی اگر وثاقت تاریخی کتاب روایی و اعتبار راویان ثابت شده باشد؛ یا اینکه نباید از ضوابط اصولی دیگر مذاهب بهره گرفت، حتی اگر اعتبار آن‌ها با ادله متقن اثبات شده باشد.

پرسش اصلی این است که روش فقهی درون مذهبی و روش فقهی فرامذهبی چه ویژگی‌هایی دارند و چه تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد؛ و در مجموع، کدام یک از این دو روش جنبه‌های مثبت بیشتری دارد و احتمال اصابت آن به واقع و موجه بودن ادله‌اش بیشتر است؟

قبل از ورود به مسئله اصلی، لازم است به این نکته توجه شود که اجتهاد یک تلاش علمی روشمند و معتبر است که برای دستیابی به اعتبارهای شرعی انجام می‌گیرد. اجتهاد عمدتاً بر پایه نقل است و کمتر با صرف عقل محض صورت می‌گیرد. در رویه رایج، اجتهاد نقلی در سه مرحله انجام می‌شود: ۱. احراز اعتبار صدور متن مقدس (آیه یا روایت) از منبع الهی یا معصوم؛ ۲. بررسی صدور متن مقدس برای بیان حکم شرعی فرازمانی و فرامکانی، نه اخبار از امر تکوینی و نه بیان حکمی دیگر، مانند حکم ولایتی و امثال آن؛ ۳. بررسی دلالت متن بر اعتبار شرعی مورد نظر (انصاری، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ص ۲۳۷).

در اجتهاد، روش‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود که هر یک دارای جنبه‌های مثبت و منفی هستند؛ از جمله این روش‌ها، روش فقهی درون مذهبی و فرامذهبی است که در این مقاله به بررسی ویژگی‌های هر یک پرداخته می‌شود. با توجه به این که اجتهاد یک تلاش علمی است، از سه منظر قابل ارزیابی است: ۱. استفاده از روش‌های معتبر؛ ۲. سازگاری با رشته‌های علمی به کار گرفته شده؛ ۳. بهره‌گیری از روش‌هایی که جنبه‌های مثبت بیشتری دارند و احتمال اصابت به واقع و موجه بودن ادله در آن‌ها بیشتر است. بنابراین، ضروری است که ویژگی‌های هر روش در هر رشته علمی واکاوی، مقایسه و شناخته شود تا مزایای هر کدام مورد استفاده قرار گیرد و در صورت وجود ترجیح، روش برتر به کار گرفته شود. این مقاله نشان می‌دهد که روش مقارن جنبه‌های مثبت بیشتری دارد؛ از این رو، فقیه لازم است تلاش حداکثری کند تا از جنبه‌های مثبت این روش بهره‌مند شود.

پیشینه مقایسه روش فقهی فرامذهبی و درون مذهبی و نوآوری مقاله

درباره روش فقهی مقارن و فرامذهبی، مطالعات مختلفی انجام شده است:

الف. آثار فقهی مقارن: در زمینه بررسی مسائل فقهی با رویکرد مقارن، آثار فراوانی تدوین شده است که برخی نمونه‌های برجسته عبارت‌اند از: در قرن سوم و چهارم هجری، از میان دانشمندان غیرامامیه، محمد طبری کتاب أسباب اختلاف الفقهاء، محمد نیشابوری کتاب الأشراف علی مذهب العلماء و احمد طحاوی کتاب اختلاف الفقهاء را نگاشتند. در قرن پنجم هجری، از میان دانشمندان امامیه، سید مرتضی کتاب المسائل الناصریات و شیخ طوسی کتاب‌های خلاف و مبسوط را بر اساس این روش تدوین کردند. در قرن هشتم هجری، علامه حلی نیز کتاب‌های تذکره الفقهاء و منتهی المطلب را طبق این شیوه نوشت. به طور کلی، اکثریت فقیهان پیش از دوره اخباری‌ها، به‌ویژه در قرون میانی، از همین روش بهره برده‌اند.

در قرن اخیر، روش فقهی آیت‌الله بروجردی تا حدی فرامذهبی محسوب می‌شود. ایشان در اجتهاد، به روایات و دیدگاه‌های اهل سنت نیز مراجعه می‌کردند (اخوان صراف، ۱۳۸۷: ص ۳۷۹-۳۸۰). برخی از شاگردان ایشان نیز از این روش پیروی کرده‌اند (منتظری، ۱۳۶۹: ص ۱۹۴؛ شبیری زنجانی، بی تا: ج ۱۱، ۱۴۹۳، ۳۷۱۹، ۷۰۳۲، ۷۷۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ص ۸، ۷۲، ۱۲۷).

ب. آثاری درباره بررسی روش مقارن: برخی پژوهش‌ها به‌طور مستقیم به تحلیل روش مقارن پرداخته‌اند (نقیبی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۱-۱۱۷).

ج. آثاری درباره تاریخچه و کتاب‌شناسی فقه مقارن: پژوهش‌هایی نیز در این زمینه منتشر شده است (مهریزی، ۱۳۷۴: ص ۲۶۷-۲۷۸؛ معینی، ۱۳۹۳).

د. آثاری درباره دوره‌بندی فقه با نگاه مقارن: برخی مطالعات، دوره‌بندی فقه را از زاویه فقه مقارن بررسی کرده‌اند (اسلامی و معینی فر، ۱۳۹۰: ص ۵-۳۲). اما آثار درباره روش فقهی درون مذهبی فراوان است؛ برای نمونه، بسیاری از آثار فقهی در دوران اخباری‌ها و پس از آن به شیوه درون مذهبی تدوین شده‌اند. با این حال، نگارنده با وجود جستجوی گسترده، به اثری دست نیافت که این دوروش را مقایسه کند، نقاط مثبت و منفی هر یک را نشان دهد و مزایای روش فرامذهبی را تبیین نماید. از این رو، موضوع این مقاله کاملاً نو و بی سابقه است.

اینک پس از مباحث مقدماتی، مطالب این مقاله را بر چهار محور سامان می‌دهیم:

محور اول: ویژگی‌های روش فرامذهبی؛

محور دوم: ویژگی‌های روش درون مذهبی؛

محور سوم: ادله به کارگیری روش فقهی درون مذهبی و فرامذهبی؛

محور چهارم: مقایسه روش مقارن و روش درون مذهبی.

محور اول: ویژگی‌های روش فرامذهبی

الف. استفاده از روایات دیگر مذاهب

فقه دانشی است علمی، تاریخی و تفسیری. از بُعد تاریخی، نخست باید احراز شود که آنچه به معصوم نسبت داده می‌شود، واجد معیارهای علمی معتبر در حوزه تاریخ است؛ بدین معنا که ناقلان سخنان معصوم در طول ادوار، آن را به گونه‌ای روایت کرده باشند که قطع یا دست کم اطمینان نوعی بر صدور حاصل گردد. از این رو، یا باید از نظر کمی، شمار راویان در هر طبقه به حدی باشد که احتمال تبانی یا خطای آنان بر دروغ از نظر عقلایی منتفی شود و بدین سان «تواتر» تحقق یابد؛ یا آنکه از نظر کیفی، راویان در هر طبقه واجد ویژگی‌هایی باشند که احتمال خطا و کذب آنان نزدیک به صفر تلقی گردد، به گونه‌ای که

در اصطلاح رجال «ضابط» و مورد اعتماد شناخته شوند. تحقق این شاخص‌ها برای اثبات اعتبار نقل در دانش فقه کفایت می‌کند و باورهای اعتقادی خاص راوی، مادام که مصونیت عقلایی او از خطا و کذب را مخدوش نسازد، به وثاقت او آسیبی وارد نمی‌سازد. بر همین اساس، اگر راویان دیگر مذاهب اسلامی نیز گزارشی از رسول خدا ﷺ یا سایر معصومان علیهم‌السلام نقل کنند و در هر طبقه معیارهای مذکور را دارا باشند، روایت آنان نیز معتبر و قابل استناد در استنباط فقهی خواهد بود. بدین ترتیب، صرف تمایز اعتقادی، تا هنگامی که ضابطه مصونیت عقلایی از دروغ و خطا محفوظ بماند، موجب خدشه در اعتبار نقل نخواهد شد.

از همین رو مشاهده می‌کنیم که دانشوران امامیه درباره بسیاری از راویان غیر اثناعشری، حکم به وثاقت داده‌اند، هرچند از نظر اعتقادی با اشکال مواجه بوده‌اند؛ برای نمونه، حفص بن غیاث (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ص ۱۵۹)، احمد بن الحسن بن فضال (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۲۷۶)، مصدق بن صدقه (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۲۷۷)، ابن عقده (عاملی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ص ۲۰۳) و سکونی (آبی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۴۸۵) در منابع رجال امامیه «ثقه» معرفی شده‌اند. حتی برخی از این راویان در شمار «اصحاب اجماع» آمده‌اند و درباره آنان گفته شده است که طایفه امامیه بر صحت روایاتشان اجماع دارند؛ مانند أبان بن عثمان احمر که با وجود آنکه از نظر عقیدتی «فاسد المذهب» توصیف شده، در زمره اصحاب اجماع ذکر گردیده است (علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ص ۲۱-۲۲). این رویه در میان دانشوران امامیه، به‌ویژه در عصر معصومان علیهم‌السلام و دوره صدر غیبت نیز رایج بوده است؛ به‌گونه‌ای که به روایات راویان غیر اثناعشری عمل می‌کرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۴۸). افزون بر این، نقل روایات از سوی غیر اثناعشریه در همان روزگار، امری شایع و آشکار بوده و این امر در مرئی و مسمع معصومان علیهم‌السلام قرار داشته است، بی‌آنکه ردع معتبری از سوی آنان به دست ما رسیده باشد؛ بلکه برعکس، بر آن تأکید و سفارش شده است. برای نمونه، در

روایتی از امام علیه السلام آمده است: «إذا نزلت بكم حادثة لا تعلمون حکمها فیما ورد عنا فانظروا إلى ما روه عن علي فاعملوا به» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷، ص ۹۱)؛ هرگاه با حادثه‌ای مواجه شدید که حکم آن را در روایات امامیه نمی‌یابید، به روایاتی که غیر امامیه از علی علیه السلام نقل کرده‌اند مراجعه کنید و براساس آن عمل نمایید. همچنین در روایتی دیگر، امام علیه السلام درباره کتاب‌های روایی فطحیه می‌فرماید: «خذوا ما روو و دعوا ما رأوا» (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۵۴۲)؛ یعنی به روایات فطحیه عمل کنید، اما از آراء و نظرات آنان پیروی نکنید. بر همین اساس، فقیهان امامیه به روایات راویان موثق از دیگر مذاهب عمل کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۱۶۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۰، ص ۲۰؛ وحید بهبهانی، ۱۴۲۴ق: ج ۱۰، ص ۱۲۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۱، ص ۸۷؛ انصاری، ۱۴۱۳ق: ص ۲۱۲) و حتی به کتاب بنی‌فضال نیز استناد نموده‌اند (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۵۴۲). بنابراین، رویه غالب فقیهان امامیه بر آن بوده است که در استنباط احکام فقهی، به روایات نقل شده از سوی غیر اثناعشری نیز استناد کنند (محقق حلی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۹۵؛ اردبیلی، ۱۳۶۲: ج ۸، ص ۴۲۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۱، ص ۸۷، ۱۶۸).

ب. استفاده از ضوابط اصولی دیگر مذاهب

بیشتر ضوابط اصولی، ماهیتی عقلی و عقلایی دارند (طباطبائی، بی‌تا: ص ۱۴؛ ضیائی‌فر، ۱۴۰۲: ص ۹۱-۹۲). از این رو، می‌توان ضوابط اصولی دیگر مذاهب را نیز بررسی کرد و در صورت اتقان ادله، اعتبار آن‌ها را پذیرفت و در فقه از آن‌ها بهره برد؛ چنان‌که برخی درباره بسیاری از ضوابط اصولی دیگر مذاهب نیز چنین نظری داده‌اند (اردبیلی، ۱۳۶۲: ج ۸، ص ۷۶). برای نمونه، اصولیان امامیه در قرن چهارم و پنجم، حجّیت قیاس منصوص‌العله را نپذیرفتند (سید مرتضی، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۶۸۳-۶۸۴، ۷۰۴، ۷۹۰-۷۹۱)؛ در حالی که در اصول

اهل سنت اثبات شده بود (غزالی، ۱۴۱۳ق: ص ۳۰۲). با این حال، بسیاری از اصولیان امامیه در قرون بعدی، اعتبار آن را به صورت مطلق یا مشروط پذیرفتند (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق: ص ۱۴۷؛ تونی، ۱۴۱۵ق: ص ۲۳۷). همچنین حجّیت الغای خصوصیت و تنقیح مناط در اصول اهل سنت به اثبات رسیده است (غزالی، ۱۴۱۳ق: ص ۲۸۲) و برخی اصولیان امامیه نیز آن را پذیرفته اند (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق: ص ۱۴۷).

ج. استفاده از ادله و تقریرهای مذاهب دیگر

کتاب، سنت و عقل، منابع مشترک فقیهان امامیه و دیگر مذاهب فقهی به شمار می آیند و در تمسک به ادله فقهی یا در تنظیم تقریرهایی از آن ها، می توان از ادله فقهی دیگر مذاهب یا تقریرهای آنان نیز بهره گرفت. آگاهی از استدلال ها و تقریرهای آنان به دلیل احتمال تأثیر در استنباط فقهی، ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد؛ زیرا چنین احتمالی منجز است؛ چنان که برخی فقیهان امامیه نیز چنین نظری داشته اند (حلی، ۱۳۹۲: ص ۳۳۲؛ منتظری، ۱۳۶۷: ج ۸، ص ۳۷۳) و در رویه فقهی خویش بر همان اساس عمل کرده اند (علامه حلی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۸۷؛ نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ص ۵۵۸؛ اشتهااردی، ۱۴۱۷ق: ج ۲۱، ص ۴۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ص ۷۴).

د. استفاده از اطلاعات رجالی مذاهب دیگر

در زمینه شناخت راویان، می توان از اطلاعات رجالی مذاهب دیگر نیز بهره برد؛ زیرا احوال برخی راویان - مانند مذهب، وثاقت، طبقه و جز آن - در کتاب های رجالی غیر امامیه قابل دستیابی است (حسینی جلالی، ۱۳۷۸: ص ۹۴)؛ از جمله این منابع می توان به الجرح والتعديل، تذکره الحفاظ، سیر أعلام النبلاء، میزان الاعتدال، لسان المیزان، الضعفاء الکبیر،

الکمال و تهذیب الکمال اشاره کرد. رجوع به این آثار، به دلیل احتمال تأثیر در استنباط فقهی، ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد؛ زیرا چنین احتمالی منجز است؛ چنان که برخی فقیهان امامیه چنین نظری داشته اند (حلی، ۱۳۹۲: ص ۳۳۲؛ منتظری، ۱۳۶۷: ج ۸، ص ۳۷۳) و در رویه فقهی خویش بر همان اساس عمل کرده اند (علامه حلی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۸۷؛ شبیری زنجانی، بی تا: ج ۵، ص ۱۴۹۳؛ ج ۱۱، ص ۳۷۱۹؛ ج ۲۲، ص ۷۰۳۲؛ ج ۲۵، ص ۷۷۹۵).

هـ. شناخت روایات و دیدگاه های تقیه ای

روشن است که بخشی از روایات امامیه به سبب تقیه صادر شده است. یکی از قرائنی که می توان به وسیله آن این گونه روایات را بازشناخت، آگاهی از دیدگاه های فقهی اهل سنت در عصر امام علی (ع) است؛ زیرا امام علی (ع) به جهت رعایت تقیه، دیدگاه های فقهی اهل سنت معاصر خود را در نظر داشته است (منتظری، ۱۳۷۶: ص ۱۳۹؛ اسلامی، ۱۳۸۴: ص ۴۲۰).

و. نزدیک شدن به مفاد درست روایت

بیشتر متن ها، چه نوشتاری و چه گفتاری، در فضایی مشحون از قرائن گوناگون صادر می شوند و در بسیاری موارد، مؤلف یا گوینده با تکیه بر آن قرائن سخن می گوید؛ چه بسا اگر آن قرائن وجود نداشته باشد، ناگزیر آن ها را در متن خود تصریح می کند. متن ها، اعم از نوشتاری و گفتاری، از نظر دلالت بر مراد به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. **متن های صریح:** متن هایی که از نظر دلالت بر مراد، هیچ احتمال خلافی در آن ها راه ندارد و بر مقصود دلالتی کاملاً روشن دارند.
۲. **متن های ظاهر:** متن هایی که از نظر دلالت بر مراد، احتمال خلاف در آن ها وجود دارد؛ اما این احتمال مرجوح است و معنای راجح همان معنای ظاهر است.

۳. متن‌های مجمل: متن‌هایی که از نظر دلالت بر مراد، دو یا چند احتمال در آن‌ها مطرح است؛ اما هیچ‌یک بر دیگری غلبه ندارد؛ نه به شکل راجح (مانند متن ظاهر) و نه به شکل قطعی (مانند متن صریح).

متن صریح به ندرت یافت می‌شود؛ حتی اگر هم یافت شود، ممکن است از یک یا چند جهت صریح باشد و از جهات دیگر صریح نباشد. بیشتر متن‌ها یا ظاهرند یا مجمل. هرچند این سه قسم، هم در متن‌های مقدس (آیات و روایات) و هم در متن‌های عادی وجود دارند؛ اما فهم و تفسیر متن‌های ظاهر و مجمل به ویژه نیازمند شناخت فضای صدور است (ضیائی فر، ۱۳۹۴: ص ۵۳).

با توجه به این نکته، روشن می‌شود که دیدگاه‌های اهل سنت در زمان صدور روایات بخشی از فضای تاریخی صدور آن‌ها را تشکیل می‌دهند و از قرائن مهم در فهم و تفسیر روایات به شمار می‌روند. از این رو، در فرایند فهم روایات باید به این دیدگاه‌ها مراجعه کرد؛ همان‌گونه که از آیت الله بروجردی نقل شده است (منتظری، ۱۳۷۶: ص ۱۳۹). افزون بر این، در برخی روایات نیز شواهدی بر این نکته وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ص ۹۴-۹۵).

محور دوم: ویژگی‌های روش درون مذهبی

الف. عدم استفاده از روایات دیگر مذاهب

یکی از مبانی اصلی طرفداران روش فقهی درون مذهبی آن است که راوی باید به عقیده صحیح باور داشته باشد؛ زیرا مطابق آیه ۶ از سوره حجرات (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)، خبر فاسق فاقد اعتبار است و عدم التزام به مذهب حق نیز یکی از مصادیق فسق به شمار می‌آید (بهایی، ۱۳۸۷: ص ۳۵). بر همین اساس، گروهی از فقیهان در عرصه فقه، رویکردی درون مذهبی برگزیده و به روایات دیگر مذاهب عمل نمی‌کنند

(عاملی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ص ۱۰؛ سبزواری، بی تا: ج ۱، ص ۱۷۴). در نتیجه، می توان گفت مبنای نظری این دیدگاه بر پیوند وثاقت راوی با التزام مذهبی استوار است و همین امر موجب تمایز روش درون مذهبی از رویکردهای فرامذهبی در استناد به روایات می شود.

ب. عدم استفاده از ضوابط اصولی مذاهب دیگر

همان گونه که پیش تر گذشت، بیشتر ضوابط اصولی، عقلی و عقلایی هستند. با این حال، برخی بر این باورند که تنها ضوابط اصولی نقلی معتبرند و از این رو، برای اصول فقه دیگر مذاهب - که غالباً ماهیتی غیرنقلی دارند - اعتباری قائل نشده اند (بحرانی، بی تا: ج ۱۸، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ استرآبادی، ۱۴۲۶ق: ص ۷۷).

ج. عدم استفاده از ادله و تقریرهای فقهی مذاهب دیگر

گرچه کتاب، سنت، اجماع و عقل، منابع مشترک دانشوران فقه امامیه و دیگر مذاهب فقهی هستند، به نظر برخی فقیهان کتاب باید از دریچه روایات اهل بیت علیهم السلام فهم شود (بحرانی، بی تا: ج ۸، ص ۲۱۶). سنت نبوی که از طریق غیرامامیه نقل شده باشد، حجت نیست و احادیث نبوی که هر دو گروه نقل کرده باشند، بسیار اندک اند. بنابراین، موارد مشترکی که بتوان در فقه امامیه از احادیث نبوی مشترک استفاده کرد، بسیار محدود است. همچنین، تعریفی که امامیه و غیرامامیه از عقل ارائه می دهند، کاملاً متفاوت است و نمی توان در فقه امامیه از عقلی که غیرامامیه اعتبارش را می پذیرد، بهره برد. از سوی دیگر، اجماع از منظر امامیه به عنوان کاشف از سنت و نظر معصوم، حجت است. بدین ترتیب، موارد تمسک به دلایل فقهی مشترک یا فراهم آوردن تقریرهایی از دلایل مشترک، اندک است.

د. عدم استفاده از اطلاعات رجالی و تاریخی دیگر مذاهب

چون احوال اکثر راویان امامیه در کتاب های رجالی امامیه آمده است، بسیاری از فقیهان امامیه تنها به کتاب های رجالی امامیه رجوع می کنند و به کتاب های رجالی دیگر مذاهب اهمیتی نمی دهند و به آن ها مراجعه نمی کنند. این امر نشان دهنده رویکرد درون مذهبی فقه امامیه و تأکید بر منابع مخصوص به خود است، که در تحلیل و اعتبارسنجی احادیث نقش تعیین کننده دارد.

ه. حفظ بیشتر اصالت های فقه مذهبی

یکی از وظایف بسیار مهم، حفظ اصالت های فقه امامیه است؛ اما پرسش مهم این است که چگونه می توان در عین تحفظ بر مبانی فقه مذهبی، با پیمودن روش علمی منصفانه و بدون تعصب، و به دور از افراط و تفریط، از جنبه های مثبت دیدگاه ها و روش های علمی دیگر مذاهب فقهی نیز بهره برد. به عنوان مثال، برخی حفظ اصالت فقه امامیه را در قطع ارتباط کامل و همه جانبه با دیگر مذاهب فقهی می دانند، مانند اخباری ها؛ در حالی که گروهی دیگر خواستار بهره برداری حداکثری از دیدگاه ها و روش های دیگر مذاهب فقهی هستند، بدون آنکه از یک سو بر مبانی مسلم امامیه تحفظ داشته باشند و از سوی دیگر روش علمی منصفانه و بدون تعصب، به دور از افراط و تفریط را رعایت کنند.

در میان فقیهان امامیه، افرادی مانند فاضل آبی (آبی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱، ص ۴۰)، فخرالمحققین (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸: ص ۵۴)، شهید اول (مختاری، ۱۳۸۴: ص ۵۴)، صاحب مدارک (عاملی، ۱۴۱۱ ق: ج ۴، ص ۴۱۳) و صاحب معالم (عاملی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۰) تا حدی رویکرد درون مذهبی دارند (اسلامی، ۱۳۸۴: ص ۳۵۹).

محورسوم: ادله به‌کارگیری روش فقهی درون‌مذهبی و فرامذهبی

در این محور، در حد ظرفیت مقاله، ادله دو روش مورد بررسی قرار می‌گیرد. مستند طرفداران روش درون‌مذهبی، روایاتی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۶، ص ۱۹۶؛ ج ۲۱، ص ۴۷۶؛ استرآبادی، ۱۴۲۶ق: ص ۲۴۸) که یکی از آن‌ها چنین است: «قال أبو جعفر لسلامة بن كهيل والحكم بن عتيبة: شرقا وغربا فلا تجدان علما صحيحا إلا شيئا خرج من عندنا» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۳۹۹). این حدیث توسط برخی، مانند مجلسی (۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۳۰۹)، معتبر شناخته شده است.

با این حال، نخست باید توجه داشت که معنای امثال این احادیث نفی اعتبار آنچه از پیامبر ﷺ صادر شده و به طریق معتبری نقل گردیده، نیست؛ زیرا بسیاری از احکامی که اهل سنت از پیامبر ﷺ یا از امیرالمؤمنین ﷺ و دیگر امامان، حتی به صورت واسطه‌ای، نقل کرده‌اند، به طرق معتبر دریافت شده‌اند. ثانیاً، این روایات درباره خود احکام است، نه درباره شیوه‌ها و شواهد دلال بر احکام؛ بدین معنا که اطلاعات رجالی و ضوابط اصولی دیگر مذاهب، ما را به احکامی که در زمان معصومان ﷺ وجود داشته، رهنمون می‌سازد و نه آنکه رقیب معصومان ﷺ باشند. به تعبیر دیگر، این احادیث در طول و مسیر دریافت احکامی قرار می‌گیرند که معصومان ﷺ بیان کرده‌اند و نه در عرض آن‌ها. بنابراین، احادیثی مانند حدیث فوق، مرجعیت کسانی را که ادعا دارند در عرض معصومان ﷺ قرار دارند، نفی می‌کنند.

برای روش فقهی فرامذهبی می‌توان به چند دلیل تمسک کرد:

الف. قرآن کریم کسانی را که سخنان گوناگون را می‌شنوند و از بهترین آن‌ها پیروی می‌کنند، بشارت داده و آنان را هدایت یافته و خردمند دانسته است: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۷-۱۸)؛ و بشارت باد

کسانی را که از اینکه طاغوت را بپرستند پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت ده بندگانم را؛ آنانی که سخنان را می شنوند و از بهترین آن ها پیروی می کنند اینانند که خداوند هدایتشان کرده است و اینانند که خردمندانند. کسی که سخنان گوناگون را بررسی می کند و بهترین آن ها را برمی گزیند، از مصادیق این آیه است، حتی اگر این بهترین میان اطلاعاتی باشد که دیگر مذاهب در اختیار قرار می دهند.

ب. روایات فراوانی دربارهٔ مراجعه به سخنان دیگران وجود دارد که برخی از آن ها را نقل می کنیم، مانند: «من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطأ؛ هر که با [ادله] دیدگاه های گوناگون روبه رو شود، جنبه های اشتباه هر دیدگاهی را خواهد شناخت» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص ۲۲)؛ «اللبیب من استقبل وجوه الآراء بفکر صائب؛ عاقل کسی است که با تفکر درست و موجه با دیدگاه های گوناگون روبه رو شود» (واسطی، ۱۳۷۶ش: ص ۱۰۸)؛ «حق علی العاقل أن یضیف إلى رأیه رأي العقلاء؛ بر عاقل لازم است دیدگاه خردمندان را به نظر خودش بیفزاید» (واسطی، ۱۳۷۶ش: ص ۲۳۲)؛ «اضمم آراء الرجال بعضها إلى بعض ثم اختر أقربها إلى الصواب وأبعدها من الارتیاب؛ دیدگاه های گوناگون را با هم در نظر بگیر و بررسی کن و پس از آن نزدیک ترین آن ها به درستی و دورترین آن ها به شک و اشکال را انتخاب کن» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۴۶).

لزوم توجه و بررسی هم زمان دیدگاه های گوناگون، با مراجعه و آگاهی کامل از آن ها است؛ زیرا بدون این آگاهی، رسیدن به صحت و سقم دیدگاه ها امکان پذیر نیست. فراوانی این روایات به حدی است که وثوق به صدور این مفاد از معصوم به صورت اجمالی حاصل می شود (یک درجه پایین تر از تواتر اجمالی). افزون بر مؤید عقلی و عقلایی مفاد آن ها، همین میزان برای اعتماد به صدور آن کافی است؛ همچنین، مفاد این روایات شامل امکان مراجعه به دیدگاه های دیگر مذاهب فقهی نیز می شود.

ج. احتمال تأثیر آگاهی به دیگر مذاهب فقهی در اجتهاد نیز قطعی است؛ زیرا اولاً، در این مراجعه احتمال آگاهی به قرائن و شواهدی وجود دارد که امکان رسیدن فقیه به واقعیت رانفی نمی‌کند، و ثانیاً، همه داده‌ها و دیدگاه‌های دیگر مذاهب فقهی که نادرست نیستند، در مراجعه به آن‌ها امکان رسیدن به واقعیت وجود دارد؛ بر این اساس، اجتهاد بدون توجه به منابع مختلف دیگر مذاهب موجه و معتبر نخواهد بود.

بر اساس آنچه گفته شد، اگر در علم اصول ثابت شود که خبر شخص ثقه حجت است و عقیده او به حجیت خبر خدشه‌ای وارد نمی‌کند، می‌توان به روایاتی که راویان موثق از معصوم نقل می‌کنند در فقه استناد کرد، حتی اگر یکی یا همه آنان امامی مذهب نباشند؛ همچنین نباید به بهانه اینکه همه راویان امامی مذهب نیستند، به آن بی‌توجهی شود؛ همان‌طور که برخی فقیهان امامیه گفته‌اند: «اگر در فقه تنها به روایاتی که راویانش امامی مذهب هستند اکتفا کنیم، نمی‌توانیم به یک صدم مسائل فقهی پاسخ دهیم» (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق: ص ۴۸۸). بنابراین، بسیاری از فقیهان امامیه روایاتی را که راویانش امامی مذهب هم نیستند معتبر می‌دانند و به آن‌ها در فقه عمل می‌کنند (محقق حلی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۹۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۰، ص ۲۰؛ وحید بهبهانی، ۱۴۲۴ق: ج ۱۰، ص ۱۲۹؛ انصاری، ۱۴۱۳ق: ص ۲۱۲). همچنین، اگر دانشوران اصولی دیگر مذاهب مسئله‌ای اصولی را ثابت کنند که ادله آن برای ما نیز کافی باشد، می‌توان در فقه به آن تمسک جست؛ همان‌طور که برخی فقیهان امامیه گفته‌اند (اردبیلی، ۱۳۶۲: ج ۸، ص ۷۶). این موضوع در دیگر زمینه‌ها مانند اطلاعات رجالی و تاریخی نیز صادق است.

این نگرش، امکان بهره‌گیری نظام‌مند از دستاوردهای علمی دیگران را فراهم می‌کند؛ گرچه تجویز مراجعه به آثار علمی دیگران به معنای پذیرش صحت مطلق آن‌ها نیست، بلکه به معنای خودداری از پیش‌داوری و بررسی دقیق صحت و سقم آن‌ها در چارچوبی

علمی و به دور از تعصب است. بر این اساس، استفاده از این آثار مبتنی بر فرض صحت آن‌ها صورت می‌گیرد، چه به عنوان ضابطه‌ای اصولی و چه به عنوان قرینه‌ای مؤثر در اثبات صدور، جهت صدور یا مفاد. از این رو، بسیاری از فقیهان بزرگ در فرایند استنباط، روشی فرامذهبی اتخاذ کرده‌اند که پیش‌تر در بخش پیشینه به آن اشاره شد.

محور چهارم: مقایسه میان روش مقارن و روش درون مذهبی

پس از بیان ویژگی‌ها و دلایل دو روش، لازم است مقایسه‌ای میان آن‌ها انجام شود تا روشن گردد کدام ویژگی‌های این دو روش، موجه و قابل دفاع و بهره‌گیری در اجتهاد هستند و کدام ویژگی‌ها غیرموجه، غیرقابل دفاع و در اجتهاد نامعتبر به شمار می‌آیند. یکی از وظایف مهم، حفظ اصالت فقه امامیه همراه با رعایت مبانی مسلم آن، همچون عصمت چهارده معصوم علیهم‌السلام است. مقتضای این وظیفه آن است که در تعامل با دیگر مذاهب، اصالت فقه امامیه حفظ شود و از جنبه‌های مثبت علمی آنان، مانند منابع، دیدگاه‌ها و روش‌ها بهره گرفته شود، بدون آنکه در آن‌ها مضمحل گردد. بنابراین، معیار و حد استفاده از دیدگاه‌ها و روش‌های دیگر، حفظ اصالت فقه امامیه و رعایت مبانی مسلم آن است. بر این اساس، بهره‌گیری‌ها باید از نظر علمی، موجه و قابل دفاع باشند و ایجاد خطوط قرمز غیرموجه برای اجتهاد مجاز نیست.

علاوه بر رعایت مبانی مسلم امامیه، پرهیز بیش از حد در بهره‌گیری از آثار علمی دیگران نوعی احتیاط غیرموجه و غیرعقلایی است. عقلای جامعه در امور مهم، متناسب با اهمیت آن‌ها، احتیاط را به کار می‌گیرند و توصیه می‌کنند؛ مانند اقداماتی که جان انسان‌ها را تهدید می‌کند، مثلاً در قوانین راهنمایی و رانندگی سخت‌گیری می‌شود تا جان و سلامت انسان‌ها حفظ گردد. اولیای دین نیز به احتیاط در امور مهم دستور داده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق):

ص ۲۸۳)، مانند دفاع از حوزه اسلام (منتظری، ۱۴۱۶ق: ص ۷۸)، حفظ جان (موسوی خمینی، بی تا: ج ۲، ص ۴۸۰)، آبرو (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق: ص ۱۱۴) و حقوق مردم (نجم آبادی، ۱۳۷۹: ص ۴۸). یکی از مهم ترین زمینه هایی که نیازمند احتیاط است، فهم و تفسیر دین است. فقیه باید برای فهم و تفسیر ضابطه مند دین، نهایت تلاش خود را صرف کند و تمامی ضابطه ها و دستورالعمل های مربوط را رعایت نماید تا دچار سوء برداشت نشود یا به پیامدهای ناشی از عدم دستیابی به واقع احکام شرعی گرفتار نگردد. با این حال، احتیاط بیش از حد لازم، موجه و قابل دفاع نیست و گاهی به اقدامات غیر منطقی و باور نکردنی منجر می شود، مانند احتیاط در استفاده از اصیل ترین و معتبرترین متن، یعنی قرآن (استرآبادی، ۱۴۲۶ق: ص ۲۷۰).

یکی از وظایف اساسی، پیمودن مسیر علمی منصفانه، به دور از افراط و تفریط و بدون تعصب است. مقتضای این وظیفه آن است که، ضمن حفظ مبانی مسلم امامیه، آثار علمی دیگران، از جمله منابع و دیدگاه ها، به دقت بررسی شده و از جنبه های مثبت آن ها بهره گرفته شود؛ وگرنه به طور خود خواسته از این جنبه های مثبت محروم خواهیم شد.

استفاده از آثار رجالی باید دارای این شرایط باشد: الف. کتاب رجالی و تاریخی معتبر بوده و استناد آن به نویسنده محرز باشد؛ ب. مطالب آن طبق شیوه های معتبر علوم تاریخی نقل شده و حسی (نه حدسی یا اجتهادی) باشند؛ ج. بامبانی مسلم امامیه سازگار باشند؛ د. نقل معارض معتبری نداشته باشند و در صورت وجود چنین نقل معارض، طبق استناد ردهای علمی با آن برخورد شود.

استفاده از آثار اصولی باید دارای این شرایط باشد: الف. کتاب اصولی معتبر بوده و استناد آن به نویسنده محرز باشد؛ ب. مطالب نقل شده از نظر علمی موجه و قابل دفاع باشند؛ ج. بامبانی مسلم امامیه ناسازگار نباشند.

استفاده از آثار فقهی نیز باید دارای این شرایط باشد: الف. کتاب فقهی معتبر بوده و استناد آن به نویسنده محرز باشد؛ ب. مطالب نقل شده از نظر علمی موجه و قابل دفاع باشند؛ ج. با مبانی مسلم امامیه، از جمله عصمت چهارده معصوم علیهم السلام، ناسازگار نباشند؛ د. با اجماع معتبر و واجد شرایط امامیه (اجماع محصل فقیهان قبل از فقه تفریعی) ناسازگار نباشند.

همان طور که در جای دیگری آمده است، در اجتهاد دو روش اصلی وجود دارد: قرینه‌گرایی و ضابطه‌گرایی (ضیائی فر، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۵۶-۷۷). فقیهانی که بر روش ضابطه‌گرایی تأکید دارند و علی القاعده ضابطه‌ها را معتبر می‌دانند، باید به ضابطه‌ای اثبات شده دست یابند؛ اما فقیهانی که بر روش قرینه‌گرایی تأکید دارند و در فقه خود بیشتر از قرینه‌ها استفاده می‌کنند، صرف مشخص بودن قرینه برای مراجعه کافی است و نیازی به اثبات ضابطه بودن آن نیست. فقیهان قرینه‌گرا نیز به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: برخی صرف حصول ظن را برای استفاده از قرینه در اجتهاد کافی دانسته‌اند (قمی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۶۳)، برخی صرف حصول اطمینان را کافی می‌دانند (سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۶۴)، و برخی شرط استفاده از قرینه را حصول قطع دانسته‌اند (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۲۲۰).

بهره‌گیری از آثار سایر مذاهب در پژوهش فقهی در چهار مقام اصلی قابل انجام است: احراز صدور روایت، فهم و تفسیر آیات و روایات، شناخت جهت صدور روایات، و بررسی تعارض ادله. در مقام فهم و تفسیر آیات و روایات، این استفاده شامل زیرمجموعه‌هایی است؛ از جمله بهره‌گیری از عموم یا اطلاق آیات و روایات، تعیین انصراف یا عدم عموم، تشخیص الزام یا عدم الزام آیات و روایات و سایر موارد مرتبط که تحلیل دقیق هر یک نیازمند بررسی مستقل است. همچنین، در مقام شناخت جهت صدور روایات، بهره‌گیری

از آثار سایر مذاهب شامل کاربردهایی برای تعیین حکم تقيه‌ای، حکم ولائی، حکم اخلاقی و موارد مشابه است (ضیائی فر، ۱۳۹۲: ص ۱۷۷). این رویکرد پژوهشی امکان استفاده علمی و منسجم از منابع غیرامامی را فراهم می‌آورد و در عین حال با حفظ چارچوب و مبانی فقه شیعی، تحلیل انتقادی و مستدل را امکان‌پذیر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

روش‌های فرامذهبی و درون‌مذهبی در اجتهاد هر یک دارای مزایا و محدودیت‌هایی هستند. برای نمونه، یکی از جنبه‌های مثبت روش درون‌مذهبی، احتمال بیشتر حفظ اصالت فقه امامیه است؛ در حالی که یکی از جنبه‌های منفی روش مقارن، امکان تأثیرپذیری بیشتر از دیگر مذاهب محسوب می‌شود. بهره‌گیری از دیگر مذاهب نه تنها ناپسند نیست، بلکه در برخی موارد لازم و مفید است؛ زیرا احتمال دستیابی به واقع را افزایش می‌دهد. آنچه نامطلوب است، تأثیرپذیری ناموجه و غیرانتقادی از دیگران است. بنابراین، می‌توان از آموزه‌ها و دستاوردهای دیگر مذاهب استفاده کرد، از جنبه‌های مثبت آن‌ها بهره برد و هم‌زمان جنبه‌های منفی را کاهش داد یا برطرف ساخت.

مقتضای پیمودن روش علمی منصفانه و به دور از افراط و تفریط، مراجعه به هر منبعی است که احتمال بهره‌گیری موجه و عقلانی از آن در اجتهاد وجود داشته باشد؛ این امر زمینه بهره‌مندی از جنبه‌های مثبت علمی دیگران، از جمله منابع دیگر مذاهب، را فراهم می‌کند. در عین حال، در استفاده از این منابع، حفظ مبانی مسلم فقه امامیه، همچون عصمت چهارده معصوم علیهم‌السلام، به عنوان خط قرمز ضروری است، تا در تعامل با دیگر مذاهب، اصالت فقه امامیه صیانت شود. ادله متعدد نیز مراجعه به دیگر مذاهب را

توجیه می‌کند و در مجموع، جنبه‌های مثبت این بهره‌گیری بر جنبه‌های منفی آن غالب است. با رعایت دقت علمی و اصول اخلاقی، می‌توان اثرات منفی احتمالی را کاهش داد یا برطرف ساخت. در روش مقارن، مراجعه به آثار رجالی، تاریخی، اصول فقهی، قواعد فقهی و فقهی امکان‌پذیر است و استفاده از آن‌ها مشروط به شرایطی است که پیش‌تر در مقاله به آن‌ها اشاره شد.

منابع

قرآن کریم

- اخوان صراف، زهرا (۱۳۸۷ش)، مکتب اجتهادی آیت الله بروجردی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- اردبیلی، احمد (۱۳۶۲)، مجمع الفائدة والبرهان، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- استرآبادی، محمدامین (۱۴۲۶ق)، الفوائد المدنية، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- اسلامی، رضا؛ معینی‌فر، محمد (۱۳۹۰)، «ادوار فقه مقارن در شیعه»، پژوهش‌های فقهی، ش ۵، ص ۵-۳۲.
- اسلامی، رضا (۱۳۸۴)، درآمدی بر فقه اسلامی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- اشتهدادی، علی‌پناه (۱۴۱۷ق)، مدارک العروة، تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ق)، فرائد الأصول، قم: انتشارات مطبوعات دینی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۳ق)، أحكام الخلل في الصلاة، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري.
- آبی، حسن (۱۴۰۸ق)، كشف الرموز في شرح المختصر النافع، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- بحرالعلوم، سید محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بلغة الفقيه، طهران: مكتبة الصادق.
- بحرانی، یوسف (بی‌تا)، الحدائق الناضرة، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.

- بهای، محمد (۱۳۸۷)، مشرق الشمسين وإكسير السعادتین، مشهد مقدس: مجمع البحوث الإسلامية.
- تونى، عبدالله بن محمد (۱۴۱۵ق)، الوافية في أصول الفقه، چاپ دوم، قم: مجمع الفكر الاسلامي.
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- حسینی جلالی، سید محمد رضا (۱۳۷۸)، المنهج الرجالي و العمل الرائد في الموسوعة الرجالية لسيد الطائفة آية الله العظمى البروجردی، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
- حلی، حسین (۱۳۹۲)، رسالة اجتهاد و تقلید، تهران: مكتب وحی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة، بی جا: بی نا.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق)، نظام القضاء والشهادة في الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه الامام الصادق عليه السلام.
- سبزواری، محمد باقر (بی تا)، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- سید مرتضی، علی (۱۳۷۶)، الذريعة إلى أصول الشريعة، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- شبییری زنجانی، سید موسی (بی تا)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- صدوق، محمد (۱۴۰۴ق)، من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
- ضیائی فر، سعید (۱۳۹۲)، فلسفه علم فقه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ضیائی فر، سعید (۱۳۹۴)، «تأثير آگاهی از فضای صدور در اجتهاد»، فقه، ش ۸۴، ص ۷۷-۵۳.
- ضیائی فر، سعید (۱۴۰۲)، مكتب های اصولی موجود و مطلوب، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ضیائی فر، سعید (۱۴۰۳)، «المقارنة بين منهج محورية القواعد ومنهج محورية القرائن في الاجتهاد»، المنهج الفقهي من منظار اهل البيت عليه السلام، العدد ۱۰: ص ۷۷-۵۶.
- طباطبائی، سید محمد حسین (بی تا)، حاشية الكفاية، بی جا: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- طوسی، محمد (۱۴۱۷ق)، العدة في أصول الفقه، قم: بی نا.
- عاملی، حسن (۱۳۶۲ش)، منتقى الجمان في الأحاديث الصحاح والحسان، قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰)، نهاية الأحكام، قم: اسماعیلیان.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، رجال العلامة الحلی، قم: الشریف الرضی.
- غزالی، محمد (۱۴۱۳ق)، المستصفی فی علم الأصول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، القوانين المحكمة فی الأصول، قم: إحياء الكتب الإسلامية.
- کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- واسطی، علی (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم والمواعظ، قم: دارالحديث.
- مجلسی، محمدباقر (۴۰۴۱ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- محقق حلی، جعفر (۱۳۶۴)، المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام.
- مختاری، رضا (۱۳۸۴ش)، الشہید الاول حیاته وآثاره، قم: بوستان کتاب.
- مدرسی طباطبائی، سید حسین (۱۳۶۸)، مقدمه ای بر فقه شیعه، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- معینی، محمد (۱۳۹۳)، سیر تاریخی تدوین فقه مقارن، قم: نشر ادیان.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الأمالی، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ق)، أنوار الفقاهة (کتاب التجارة)، قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، قاعدة لا ضرر، قم: مدرسة امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۹)، دراسات فی ولاية الفقیه، قم: تفکر.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۶)، «مبانی اجتهادی آیت الله العظمی بروجردی»، چاپ شده در: یادنامه خاتمی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۶ق)، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر (تقریرات درس آیت الله بروجردی)، چاپ سوم، قم: مکتب آیت الله منتظری.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم: کیهان.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا)، تحریر الوسيلة، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- مهریزی، مهدی (۱۳۷۴)، «کتابشناسی توصیفی فقه مقارن»، فصلنامه نقد و نظر، ش ۱، ص ۲۶۷-۲۷۸.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
نجم آبادی، ابوالفضل (۱۳۷۹)، کتاب القضاء (تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی)، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.

نراقی، احمد (۱۴۱۵)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴)، «مطالعات روش شناسی دینی»، روش شناسی مطالعات تطبیقی در فقه اسلامی، ش ۳، ص ۱۰۹-۱۱۷.

وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۲۴ق)، مصابیح الظلام، قم: مؤسسه الوحید البهبهانی.
وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۱۵ق)، الفوائد الحائریة، قم: مجمع الفکر الاسلامی.